

تاریخ من و نادر، شاه ایران (وقایع نامهٔ ابراهام کرتی)

تألیف:

کانولسکوس ابراهام کرتی

ترجمه از متن اصلی قرن سیزده با تعلیقات و حواشی:

جورج بوروتیان

ترجمه فارسی:

فاطمه اروجی



انتشارات طهوری

سرشناسه	آبراهام، کرتاتسی، - ۱۷۳۷م. Abraham, Kertatsi
عنوان و نام پدیدآور	تاریخ من و نادر، شاه ایران (وقایع نامه آبراهام کرتی)؛ تألیف آبراهام کرتی؛ ترجمه از متن اصلی قرن هجده با تعلیقات و حواشی جورج بورتوتیان؛ ترجمه فارسی فاطمه اروجی.
مشخصات نشر	تهران: طهوری، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	۲۱۸ ص: مصور.
شابک	978-600-5911-44-2
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت	عنوان اصلی: Patmut'iwn of Kat'oghikos Abraham Kretats'i.
یادداشت	کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان "The chronicle of Abraham of Crete" به فارسی برگردانده شده است.
موضوع	ارمنستان -- تاریخ -- ۱۵۲۲-۱۸۰۰م. -- اسناد و مدارک.
موضوع	Armenia--History--1522-1800--Sources :
موضوع	نادر افشار، شاه ایران، ۱۱۰۰-۱۱۶۰ق.
موضوع	آبراهام، کرتاتسی، - ۱۷۳۷م.
موضوع	Abraham, Kertatsi :
موضوع	قفاز -- تاریخ -- اسناد و مدارک
موضوع	Caucasus--History--Sources :
شناسه افزوده	بور، بیان، رزج، ا.، ۱۳۲۲ -، مترجم
شناسه افزوده	Bournouti, George A. :
شناسه افزوده	اروجی، فاطمه، مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۹۶ ۲۷ L ۹۹۱
رده بندی دیویی	۹۵۶/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۴۸۳۶۷۷۴

این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Chronicle of Abraham of Crete
(Patmut'iwn of Kat'oghikos Abraham Kretats'i)
Annotated Translation from the Critical Text with
Introduction and Commentary by George A. Bournoutian
Costa Mesa, California, U.S.A-Mazda Publishers



آبشار طهوری

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، شماره ۲۴، صندوق پستی ۱۶۴۸-۱۳۱۴۵
تلفن: ۰۹۱۲ ۲۲ ۵۱۲۰۶ - ۶۶۴۶ ۴۸۲۶



تاریخ من و نادر، شاه ایران
(وقایع نامه آبراهام کرتی)
تألیف: کاتولیکوس آبراهام کرتی

ترجمه از متن اصلی قرن هجده با تعلیقات و حواشی: جورج بورتوتیان
ترجمه فارسی: دکتر فاطمه اروجی (عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تبریز)
چاپ سوم، بازنگری شده، ۱۴۰۳ - ۲۲۰ نسخه
کلیه حقوق چاپ و انتشار محفوظ است.
۲۱۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	یادداشت مترجم انگلیسی بر ترجمه فارسی
۹	مقدمه مترجم فارسی
۱۷	مقدمه مترجم انگلیسی
۲۹	متن کتاب
۱۷۵	توضیحات
۱۸۹	واژه‌نامه اصطلاحات غیرارمنی
۱۹۶	نقشه: اماکن جغرافیایی ذکر شده در متن
۱۹۷	فهرست منابع و مآخذ مترجم انگلیسی
۲۰۱	فهرست منابع و مآخذ مترجم فارسی
۲۰۳	فهرست اعلام

یادداشت مترجم انگلیسی بر ترجمه فارسی

از آغاز قرن شانزدهم میلادی، زمین‌های قفقاز جنوبی به عنوان بخشی از قلمرو ایران محسوب می‌شد که همچنان با قرارداد زهاب (قصرشیرین) در ۱۶۳۹ م. به رسمیت شناخته شد. این وضعیت تا ۱۷۲۲-۲۱ م. باقی ماند تا زمانی که در سال ۱۷۲۴ م. امپراتوری‌های عثمانی و روسیه آن را میان خود تقسیم نمودند. اما پیروزی‌های نظامی نادر دوباره کنترل ایران را بر قفقاز جنوبی برقرار نمود.

کتاب «وقایع‌نامه آبراهام کرتی» نشانه‌ای است که نشان از مناسبات ویژه کلیسای ارمنی و بزرگان ارمنی با نادرشاه افشار، اثر آبراهام کرتی، در میان منابع اصلی تاریخ ایران در قرن هجدهم منبعی منحصر به فرد است. این کتاب شامل مواد باارزشی است درباره حوادث و اتفاقات منطقه قفقاز جنوبی در دوره نادرشاه افشار، به ویژه درباره لشکرکشی‌های نادر علیه عثمانی‌ها در قفقاز، دیدارهایش از اچمیادزین، انجمن ملی بزرگان دشت مغان و تاجگذاری نادر.

این کتاب همان‌طور برای بررسی ساختار اداری و اقتصادی دولت صفویه و همچنین دولت‌های افشاریه و زندیه و قاجاریه که به میزان بسیاری از نمونه صفویه استفاده کردند منبع باارزشی است. سازمان اداری و ساختار اقتصادی صفویه که در قفقاز جنوبی گسترش یافته بود حتی پس از سقوط صفویه نیز در

منطقه باقی ماند. این واقعیت به ویژه در واژگان مورد استفاده آبراهام کرتی آشکار است. همچنین اصطلاحاتی نظیر مُلک، تیول، کلاتر، مباشر، ملیک و بسیاری لغات دیگر که در سرتاسر منطقه تا پایان قرن نوزده باقی ماند، نمونه‌ای از آن به‌شمار می‌رود. از این‌رو، این کتاب منبعی غنی برای مطالعه و بررسی زبان و لغات و اصطلاحات فارسی، ارمنی، عثمانی، ترکی، عربی، کردی، مغولی و آذری است.

بسیار خوشحال هستم که دکتر فاطمه اروجی از استادان گروه تاریخ دانشگاه تبریز، ترجمه کتابم «وقایع‌نامه آبراهام کرتی» را به فارسی برعهده گرفت و آن را آماده نمود. برخلاف دیگران که کتاب‌هایم را بدون اجازه ترجمه می‌کنند، دکتر اروجی برای ترجمه کتاب‌های من در صدد کسب اجازه از من برآمد و با موافقت من به این کار اقدام نمود.

«تاریخ جنگ‌ها»ی آبراهام کرتی که قبلاً منتشر شده است و کتاب «مختصری از تاریخ مردم ارمنی» که در دست چاپ است، از جمله کتاب‌هایی هستند که توسط ایشان به فارسی برگردانده شده‌اند؛ و این ترجمه فارسی «وقایع‌نامه آبراهام کرتی» پیش روی شماست.

با عنایت به این کتاب، استادان، محققان و پژوهشگران حوزه تاریخ ایران و همچنین دانشجویان ایرانی رشته تاریخ می‌توانند این منبع اصلی را در تحقیقات و پژوهش‌های خویش مورد استفاده قرار دهند. بدین ترتیب امید می‌رود که با استفاده از چنین منابعی، کمبودهایی که درباره برخی از حوادث و اتفاقات دوره نادرشاه افشار به‌ویژه در مناطق شمال‌غربی ایران در منابع اصلی تاریخی این دوره وجود دارد، جبران شود.

دکتر جورج بورنوتیان،

استاد تاریخ کالج آیونا،

نیویورک، ایالات متحده، ۱۵ اکتبر ۲۰۱۷

مقدمه مترجم فارسی

تاریخ من و نادر، شاه ایران با تاریخ نامه آبراهام کرتی نوشته کاتولیکوس آبراهام کرتی جاثلیق یا خلیفه اعظم ارمن است و شامل حوادث سال‌های ۱۷۳۴-۱۷۳۶م. (۱۱۴۷-۱۱۴۹ق.) می‌باشد. او به‌عنوان سقف اعظم رودستو، مرکز تراکیه در ساحل دریای سیاه، برای مدت بیست و پنج سال (۱۷۰۸-۱۷۳۴م.) خدمت کرد و در سال ۱۷۳۴م. به قصد زیارت کلیسای اچمیادزین، تراکیه را ترک کرد و پس از چند روز مسافرت به کلیسای اچمیادزین، که در نظر ارمنیه از مقدس‌ترین اماکن روی زمین است، رسید. به محض ورود آبراهام کرتی، به‌مورد توجه و علاقه کاتولیکوس آبراهام دوم خوشابی (۱۷۳۰-۱۷۳۴م.) قرار گرفت. مدت زیادی از ورود او به اچمیادزین نگذشته بود که، کاتولیکوس مذکور بر اثر بیماری و پیری از دنیا رفت و آبراهام کرتی برخلاف میل خود، به فرمان حسین پاشا - حاکم عثمانی ایروان - به‌جای کاتولیکوس متوفی، به‌عنوان کاتولیکوس کلیسای اچمیادزین، برگزیده شد.

دوران کاتولیکوسی آبراهام سوم کرتی، مصادف بود با لشکرکشی‌ها و حضور مؤثر نادر در قفقاز و نبردهای او با عثمانی‌ها. بنابراین، طبیعی است که در منطقه ایروان ملاقات‌هایی میان نادر و آبراهام کرتی صورت بگیرد. در آغاز محرم

سال ۱۱۴۸ (اواخر ماه مه ۱۷۳۵) نادر که در این تاریخ به طهماسب‌قلی‌خان معروف شده بود، برای رویارویی با قوای عثمانی تحت فرماندهی عبدالله‌پاشا کوپرولو اوغلو، فرمانده کل سپاه عثمانی، در بازگشت از قارص به سوی آراغات رفت. در این تاریخ در کنار کلیسای اچمیادزین اردو زد و آبراهام کرتی با تعدادی از کشیشان و هدایای مناسب به دیدار او شتافت و با نادر ملاقات نمود. او به طور مفصل درباره نخستین دیدار خود با نادر، در کتابش می‌نویسد. از این زمان محبتی میان نادر و آبراهام کرتی پدید آمد که منافع بسیاری از آن نصیب ارامنه و کلیساهایشان، به ویژه اچمیادزین، شد؛ تا جایی که کاتولیکوس تا پایان دیدارهای خود با نادر و حتی با برادر نادر و دیگر قدرت‌های منطقه، فرامین و احکام بسیاری درباره بهر وضع ارامنه، تعمیر کلیساهای، بخشودگی‌های مالیاتی ارامنه، آزاد کردن اسای ارمنی و ... دریافت نمود. پس از پایان دیدار نخست نادر با کاتولیکوس بود که نادر از نادر درخواست نمود تا از اچمیادزین دیدار نماید؛ و در طی این دیدار که منافع بسیاری از اچمیادزین انجام داد هدایا و اموال بسیاری به کلیسا تقدیم نمود و فرامین بسیاری درباره کلیسا و مردم ارامنه صادر کرد، که همگی نشانگر توجه و علاقه نادر به کاتولیکوس و مردم ارمنی بود. به ویژه کاتولیکوس به دلیل آنکه از علاقه و توجه نادر به خود آگاه بود، برای تحت تأثیر قرارداد نادر از کلمات و جملات ترکی استفاده می‌نمود که نادر بیش از پیش به او توجه و علاقه نشان می‌داد و همه خواست‌ها و نیازهای او را برآورده می‌کرد.

پس از نبرد اغوارد که در ۲۶ محرم ۱۱۴۸ (۱۸ ژوئن ۱۷۳۵) میان نادر و عثمانی‌ها روی داد و نادر به پیروزی درخشانی دست یافت، و در آن نبرد سرفرمانده سپاه عثمانی، عبدالله‌پاشا کوپرولو اوغلو، به قتل رسید، کاتولیکوس در منطقه حاضر شد و به دستور نادر بنای یادبودی را در منطقه به افتخار پیروزی وی بر عثمانی‌ها بنا نمود.

پس از رفتن نادر به تفلیس در جمادی‌الاول ۱۱۴۸ (۲۷ اکتبر ۱۷۳۵) باردیگر

کاتولیکوس را در کنار نادر مشاهده می‌نماییم که به فرمان نادر در اردوی او حاضر شده بود. در تفلیس، نادر به خلیفه مهربانی بسیاری نمود و از او در نزد خان ایروان و سایر سرداران تعریف و تمجید بسیاری کرد و به آنان سفارش نمود که مبدا موجبات رنجش خاطر خلیفه و آرامنه را فراهم سازند. در اینجا نیز، خلیفه فرامین و احکام بسیاری درباره موضوعات مربوط به کلیسای اچمیادزین و به‌طور کل کلیسای ایروان، حُسن سلوک با آرامنه، تخفیف مالیاتی و ... از نادر دریافت نمود و به‌ویژه خلیفه موفق شد تا نظر نادر، که فرمان داده بود سیصد خانوار از مردم تفلیس به خراسان کوچ داده شوند را تغییر داده، مشروط بر آنکه مبالغی نقد و جنس از آنها دریافت شود.

پس از این اتفاقات، خلیفه به همراه حاکم ایروان و سایر بزرگان ارمنی به دستور نادر به دشت مغان فراخوانده می‌شود. از این بخش تا پایان حوادث دشت مغان که کاتولیکوس حجت‌شاهد و ناظر آن بوده بیشتر کتاب را به خود اختصاص می‌دهد.

آبراهام کرتی همان‌گونه که خود در کتاب می‌نویسد در روز ۳ ماه دسامبر ۱۷۳۵ (۲۸ رجب ۱۱۴۸) با گروهی از کشیشان و مسگزاران کلیسا که حدود بیست و پنج تن می‌شدند از اچمیادزین حرکت کرد و یک ماه بعد در روز ۳ ژانویه ۱۷۳۶ (شعبان ۱۱۴۸) به دشت مغان، در محل تلاقی رودخانه‌های کر و ارس، رسید؛ که محل اجتماع مدعوین نادر بود.

کاتولیکوس در دشت مغان به دستور نادر در ردیف مهمانان برجسته مورد توجه و پذیرایی قرار گرفت و همواره مورد توجه خاص و الطاف نادر واقع شد و در چند نوبت هدایا و خلعت‌های گرانبهایی از سوی نادر دریافت نمود. او مجدداً، مانند سابق از فرصت استفاده کرده و احکام و فرامین بسیاری را درباره اچمیادزین و آرامنه از نادر دریافت نمود. کاتولیکوس به تفصیل حوادث و اتفاقات دشت مغان، برنامه نادر برای صعود به تخت و اقدامات او را در این زمینه، با جزئیاتی بیان می‌کند که در سایر منابع به این شکل وجود ندارد. بنابراین،

وقایع نامه به ویژه در این گونه از حوادث تاریخی شاهد عینی، زنده و گویا است. آبراهام خود شاهد زنده اتفاقاتی است که بیان می کند؛ از این رو، کتاب وی می تواند به عنوان سندی گویا در این زمینه از تاریخ ایران مورد بررسی علاقه مندان، پژوهشگران و مورخان قرار گیرد. کاتولیکوس حتی به توصیف دقیق موقعیت جغرافیایی دشت مغان، وضعیت اقلیمی و همه اماکن و مناطقی می پردازد که از آنجا عبور می کند.

این کتاب که توسط کاتولیکوس آبراهام کرتی در سال های ۱۷۳۶-۱۷۳۷م. (۱۱۴۹-۱۱۵۰ق.) نوشته شده است، عناوینی همچون: وقایع خود و نادر، شاه ایران یا تاریخ من و نادر، شاه ایران را بر خود گرفت. این کتاب نخستین بار توسط جورج بورنویس از ارامنه ایرانی الاصل مقیم آمریکا، استاد تاریخ اروپای شرقی و خاورمیانه در کالج آیونا، به زبان انگلیسی ترجمه شد و با عنوان وقایع نامه آبراهام کرتی منتشر شد. آن ترجمه از روی چاپ انتقادی آن که در ۱۹۳۷م. توسط آرشیوهای ماتنادران رادمی علوم جمهوری ارمنستان در ایروان منتشر شده بود، انجام گرفت. در این ترجمه همچنین از ترجمه های فرانسوی و روسی و دیگر چاپ های آن استفاده شده است. بورنویس در واقع، این کتاب را تصحیح و ترجمه نموده است و زحمات بسیاری را درباره توضیحات، تعلیقات و حواشی کتاب انجام داده و اضافات و حواشی ارزنده ای را در این زمینه آماده ساخته است. جورج بورنویس در این زمینه به کتاب ها و منابع بسیاری مراجعه نموده و به دلیل تسلط به چندین زبان از جمله زبان های فارسی، ارمنی، روسی و انگلیسی، توانسته است در زمینه زبان شناسی و شرح اصطلاحات متعددی که در کتاب به کار رفته است توضیحات لازم و مفیدی را ارائه نماید. بورنویس همچنین در پایان کتاب، نقشه ای را ضمیمه نموده که درباره اماکن جغرافیایی ذکر شده در متن است و لذا درباره فهم بهتر و بیشتر حوادث و اتفاقات ذکر شده در کتاب به خواننده یاری می رساند. علاوه بر آن، در پایان کتاب اصطلاحات غیرارمنی را نیز در یک جا آورده و درباره آنها توضیحات جداگانه ای را ارائه داده است. ترجمه

انگلیسی کتاب در سال ۱۹۹۹م. توسط انتشارات مزدا در آمریکا منتشر شده است. از جورج بورنوتیان آثار بسیاری درباره قفقاز جنوبی، اروپای شرقی و تاریخ ایران منتشر شده است که از جمله آنها تاریخ جنگ‌ها نوشته آبراهام ایروانی است که توسط نگارنده این سطور به فارسی برگردانده شده است.

کتاب وقایع‌نامه آبراهام کرتی در شمار سایر منابع ارمنی معاصر خود یعنی گزارش‌های گیلانتز و تاریخ جنگ‌ها قرار دارد و در زمره منابع ارزشمند موجود آن دوره تاریخ ایران محسوب می‌شود که به‌ویژه شامل حوادث و اتفاقاتی است که در شمال‌غربی ایران از جمله در منطقه قفقاز جنوبی و ارمنستان شرقی اتفاق افتاده است. لازم به ذکر است که بخش‌هایی از این کتاب برای نخستین بار تحت عنوان منتخباتی از یادداشت‌های آبراهام کاتوغی گوس خلیفه اعظم ارمنه توسط عبدالحسین سپنتا و استیفان هارایان به فارسی ترجمه و در سال‌های ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ش چاپ شده است و در سال ۱۳۴۷ش (۱۹۶۹م.) توسط انتشارات وحید به چاپ دوم رسیده است. ولی این ترجمه فقط بخشی از کتاب را شامل می‌شود که راجع به دشت مغان و انتخاب و تاجگذاری نادر است و فصول ۲۲ تا ۴۶ کتاب (به جز فصل ۲۹ که در این ترجمه موجود نیست) را دربرمی‌گیرد، درحالی که کل وقایع‌نامه شامل ۵۳ فصل است. ترجمه سپنتا و هارایان بسیار مختصر است و از این رو، شامل تمامی مطالب فصول ۲۲-۴۶ نمی‌باشد. در پایان این ترجمه چند فرمان نیز از نادرشاه ضمیمه شده است. مرحوم نصرالله فلسفی نیز بخش‌هایی از این کتاب را در مقاله‌ای تحت عنوان: «چگونه نادرقلی نادرشاه شد» به فارسی ترجمه کرده است و آن مربوط به مقدمات آشنایی خلیفه ارمنی با نادر و تعریف مجلس دشت مغان و اتفاقات گوناگون آن مجلس و تشریفات انتخاب نادرقلی به پادشاهی ایران و ترتیب تاجگذاری او است. علاوه بر آن، نصرالله فلسفی در پایان این مقاله، صورت وثیقه عهدنامه نادری را نیز آورده است. این مقاله در کتاب چند مقاله تاریخی و ادبی است که توسط انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲ش. منتشر شده است. ترجمه‌های مذکور،

گرچه مختصر هستند و شامل تمامی متن وقایع‌نامه نمی‌شوند، اما به‌ویژه ترجمه سپتا و هانانیان، در ترجمه حاضر مورد استفاده قرار گرفته است.

ترجمه فارسی وقایع‌نامه که اینک پیش روی شماست، نخستین ترجمه کامل آن به زبان فارسی می‌باشد و همان نام اصلی کتاب، که نویسنده بر روی آن نهاده است، برای آن انتخاب شده است و برای حفظ امانت در ترجمه، عنوان ترجمه انگلیسی آن نیز در ذیل نام اصلی کتاب آمده است. تلاش بسیاری انجام شد تا متن به همان شکل اصلی به فارسی برگردانده شود، به‌جز در پاره‌ای موارد که ترجمه آن برای فارسی‌زبانان لازم نبود که حذف شدند و همه آنها در پانوشت‌ها توضیح داده شده‌اند. درباره برخی از اشتباهاتی که در متن توسط آبراهام کرتی و به‌ویژه در پانوشت‌ها از سوی مترجم انگلیسی صورت گرفته بود لازم آمد توضیحاتی در پاورقی از سوی مترجم فارسی آورده شود.

برخی مکالمات آبراهام با نادر که به صورت ترکی انجام شده بود توسط خود او در کتاب آمده است. آنها با اندکی ارمنی نوشته شده‌اند و بورنوتیان آنها را به‌طور مستقیم ترجمه کرده است. در ترجمه فارسی تمام آن عبارات و مکالمات ترکی عیناً با نوشتار فارسی آمده است.

بورنوتیان در استفاده از برخی از منابع و کتاب‌های فارسی از ترجمه آنها به زبان انگلیسی استفاده نموده است و به همان‌ها هم ارجاع داده است. در ترجمه فارسی به اصل منابع فارسی مراجعه شده است و لذا به همان‌ها هم ارجاع داده شده است. منابع مورد استفاده بورنوتیان به همان شکل در پایان ترجمه فارسی آورده شده است. علاوه بر آن منابع مورد استفاده مترجم فارسی نیز در بخش دیگری به شکل جداگانه آمده است. بورنوتیان در پایان کتاب فهرستی از اصطلاحات غیرارمنی را آورده است. در ترجمه فارسی، واژه‌های لازم ترجمه شدند؛ زیرا واژه‌های بسیاری بودند که چون برای فارسی‌زبانان مشخص بودند، لذا آورده نشدند.

همه توضیحات و حواشی پانوشت‌ها از بورنوتیان است. اگر توضیحی تکمیلی لازم بوده که من بدهم با ذکر علامت اختصاری (م.ف) مشخص شده

است. از جورج بورنوتیان تشکر می‌کنم که هم اجازه دادند کتاب را به زبان فارسی ترجمه کنم و هم این که کمک‌های بی‌شماری در توضیحات برخی از لغات، اسامی و اصطلاحات ارمنی به اینجانب کردند. همین‌طور از آقای عبداللهی کارشناس محترم گروه تاریخ دانشگاه تبریز که در بازخوانی این متن به من کمک کردند تشکر می‌کنم. از آقای احمدرضا طه‌وری که زحمت چاپ و انتشار این کتاب را متقبل شدند سپاسگزارم و همچنین از آقای مسعود فیروزخانی که آماده‌سازی و صفحه‌آرایی این کتاب را عهده‌دار شدند تشکر می‌نمایم.

در پایان از همه خوانندگان این کتاب برای همه اشتباهات احتمالی و کاستی‌های آن پوزش می‌طلبم و امیدوارم که با ارائه راهنمایی‌های سودمند خویش اینجانب را در چاپ‌های آتی آن کمک نمایند.

فاطمه اروچی

خردادماه ۱۳۹۶ خورشیدی - تبریز

مقدمه مترجم انگلیسی

پانزده سال میان ۱۷۲۲ و ۱۷۱۶ (۱۱۳۵-۱۱۴۹ق.) دوران آشفته‌ای برای ایران و قفقاز جنوبی^۱ بود. در مارس ۱۷۲۲ (۱۱۳۵ق.) افغان‌های شورشی به اصفهان - پایتخت صفویان - رسیدند و آن را محاصره کردند. در ماه می همان سال، پطرکیر (۱۶۸۹-۱۷۲۵) با تشویق آرتمی ورلنسکی - فرستاده پیشین‌اش به ایران - با استفاده از بی‌ثباتی ایران، بعد از اینکه صلحی را سوئد منعقد نمود، سپاهش را به سوی سواحل خزر حرکت داد. در اکتبر، اصفهان به دست افغان‌ها سقوط کرد. شاه سلطان حسین (۱۶۹۶-۱۷۲۲م./ ۱۱۰۷-۱۱۳۵ق.) خوار گردید، درحالی‌که پسر و جانشین‌اش - طهماسب دوم - گریخت و به دنبال کسب حمایت برای اعاده سلطنت خاندانش برآمد.

در اواخر تابستان ۱۷۲۳م. روس‌ها بخش بزرگی از سواحل خزر را اشغال کردند و بر سر عهدنامه‌ای با طهماسب مذاکره نمودند. عهدنامه سپتامبر ۱۷۲۳ که در سنت پترزبورگ^۲ به امضا رسید، سواحل جنوب غربی و جنوبی دریای خزر

۱. Transcaucasia. اصطلاح «ماورای قفقاز» از دیدگاه روس‌ها و کشورهای غربی به مناطق و سرزمین‌های واقع در جنوب قفقاز اطلاق می‌شود. در واقع این اصطلاح از قرن نوزدهم توسط روس‌ها به کار گرفته شد و پس از آن مورخان و نویسندگان اروپایی و آمریکایی نیز از آن استفاده نمودند. در اینجا به جای آن از اصطلاح «قفقاز جنوبی» یا «ماورای ارس» استفاده می‌شود. (م.ف)

2. St. Petersburg

(شامل باکو و دربند) را به روسیه واگذار کرد. در مقابل، روسیه متعهد به حمایت از طهماسب برای ایجاد آرامش در کشور و سرکوب شورشیان گردید.

اگرچه عهدنامه هرگز به تصویب نرسید، عثمانی‌ها که از حضور روس‌ها در قفقاز جنوبی - حیاط خلوت آناتولی شرقی - بیمناک بودند، قرارداد ۱۶۳۹ م. (۱۰۴۹ ق.) با ایران^۱ را نقض کردند و در سال ۱۷۲۳ به ارمنستان شرقی و گرجستان شرقی هجوم بردند. جنگ میان ترک‌ها و روس‌ها از طریق میانجیگری سفیر فرانسه در قسطنطنیه^۲ متوقف شد و منجر به قرارداد (ژوئن ۱۷۲۴) میان دو کشور گردید که نتیجه آن در عمل تقسیم قفقاز جنوبی بود.^۳

جای بسی تأسف است که ارمنستان شرقی و گرجستان شرقی تاریخی، که عمدتاً توسط مسیحیان مسکون بود، به عثمانی‌ها واگذار شد، در حالی که قسمت‌های شرقی ماورای روس که عمدتاً توسط مسلمانان مسکون بود، به روس‌ها داده شد. ارمنیان و گرجیان، که پتر به آنها وعده‌رهایی از حکومت مسلمانان را داده بود، به حال خود رها شدند و مجبور شدند با عثمانی‌ها - رؤسای جدید منطقه - کنار بیایند. عثمانی‌ها بر کاختی^۴ و کارتلی^۵، گنجه^۶، ایروان^۷، نخجوان^۸، نیمی از شیروان^۹، قسمت‌هایی از قراباغ^{۱۰} و قسمتی از شمال غربی ایران تسلط یافتند. به هر حال مناطق کورستان^{۱۱} قراباغ و زنگزور^{۱۲}، تحت رهبری داوید بیگ^{۱۳} و شمار دیگری از رؤسای ارمنی، در برابر تجاوز ترک‌ها مقاومت کردند و تقریباً استقلال خود را نگاه داشتند.

۱. معاهده صلح قصر شیرین یا زهاب در تاریخ ۱۶۳۹ م (۱۰۴۹ ق.) به دنبال تجاوز عثمانی‌ها به بغداد در دوره پادشاهی شاه صفی (۱۶۲۹-۱۶۴۲ م. ۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق.) به امضا رسید. برای اطلاعات بیشتر درباره این قرارداد ر.ک: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۹، صص ۱۰۴-۱۰۵. (م.ف)

2. Constantinople

۳. برای دیدن متن این قرارداد، مراجعه کنید به: J. C. Hurewitz, Diplomacy in the Near and Middle East: A Documentary Record, 1535-1914, (Princeton, 1956), 42-45.

همچنین ر.ک: هوشنگ مهدوی، صص ۱۴۸ و ۱۴۹. (م.ف)

4. Kakhet'i
8. Nakhichevan
12. Dawit' Beg

5. K'art'li
9. Shirvan

6. Ganje
10. Karabagh

7. Erevan
11. Zangezur

در ۱۷۲۶، طهماسب یک فرمانده توانا و جاه طلب از قبیله افشار، نادرقلی^۱، را به خدمت گرفت؛ که در نبرد با افغان‌ها و دیگر شورشیان در شمال شرقی ایران برای خود نام و نشانی کسب کرده بود. نادر با خلاصی از فرمانده رقیب به زودی توجه سلطان را به خود جلب کرد و عنوان طهماسب‌قلی «بنده طهماسب» یا مؤدبانه «جان‌فشان (فدایی) طهماسب» را دریافت کرد. نادر پس از چندین لشکرکشی افغان‌ها را شکست داد و در اواخر ۱۷۲۹ اصفهان را پس گرفت. طهماسب به عنوان شاه منصوب شد و سلسله (صفویه) احیا گردید.

یک سال بعد نادر برای بازپس‌گیری ایالات اشغال‌شده توسط عثمانی‌ها به شمال لشکرکشی کرد. تبریز در ماه آگوست بازپس گرفته شد. روس‌ها که خواستار خروج عثمان‌ها از شمال ایران و ماورای ارس بودند، با ارسال افسران توپخانه روسی به خدمت نادر، ایرانیان کمک کردند، که منتهی به بازپس‌گیری تمامی آذربایجان گردید. شورشی در عراق، نادر را مجبور به ترک آذربایجان و لشکرکشی به شمال شرقی ایران نمود. شاه طهماسب که از موفقیت‌های نادر دچار بیم و حسادت شده بود، از غیبت سرفرازنده‌اش استفاده کرد و در ۱۷۳۱ به نخجوان و ایروان لشکرکشی نمود. عثمانی‌ها، برره‌ایش را در ایروان تارومار نمودند و در ژانویه ۱۷۳۲ شاه را مجبور به انعقاد توافق نامه‌ای کردند که بر اساس آن قفقاز جنوبی را به عثمانی‌ها واگذار می‌نمود.

در این اثنا، آنا امپراتریس روسیه (۱۷۳۰-۱۷۴۰) که از مرگ و میر شدید نیروهای روسی بر اثر بیماری پریشان شده بود، نیروهایش را از سواحل جنوبی خزر عقب کشاند. با عهدنامه رشت (فوریه ۱۷۳۲)^۲ روسیه همچنین موافقت کرد وقتی که ترک‌ها از ارمنستان و گرجستان خارج شدند نیروهایش را از بخش‌های شرقی ماورای ارس خارج نماید.

۱. Nader Qoli. نادرشاه افشار آینده. آبراهام به او به عنوان طهماسب‌خان، طهماسب‌قلی‌خان، یا ولی‌نعمت اشاره می‌کند.

۲. برای دیدن متن این عهدنامه، نگاه کنید به: Hurewitz, I, 45-47؛ همچنین ر.ک: هوشنگ مهدوی، صص ۱۵۸ و ۱۵۹. (م.ف.)

نادر با بهره‌گیری از شکست تحقیرآمیز شاه‌طهماسب و باده‌گساری‌اش، او را در تابستان ۱۷۳۲ خلع نمود. عباس سوم، پسر خردسال شاه، به‌عنوان فرمانروای جدید اعلام شد و نادر نایب‌السلطنه شد. سپس نادر جنگ با عثمانی‌ها را از سرگرفت. پس از برخی عقب‌نشینی‌های اولیه، در پایان ۱۷۳۳، ایرانیان، ترک‌ها را شکست دادند و سرفرمانده‌شان، توپال عثمان‌پاشا، را کشتند. در این اثنا، روس‌ها، شاهزاده سرگنی دمیتروویچ گولیتسین^۱ را، برای مطمئن کردن نایب‌السلطنه به اینکه روس‌ها آماده کمک کردن به اخراج عثمانی‌ها از قفقاز جنوبی هستند و اینکه آنها بعد از آن، به‌طور کامل منطقه را ترک خواهند کرد، به‌عنوان نماینده به ایران فرستادند.

نادر در ۱۷۳۴ به قفقاز جنوبی لشکر کشید. پس از گرفتن شماخی^۲، به داغستان^۳ لشکرکشی کرد. سپس با کمک افسران توپخانه روسیه، گنجه را محاصره کرد. روسیه با اطمینان از اینکه ایرانیان خواهند توانست ترک‌ها را از قفقاز جنوبی اخراج کنند، (در مارس ۱۷۳۵) عهدنامه گنجه را امضا کرد و به‌زودی پس از آن از باکو و دربند خارج شد و به رزهای قبل از ۱۷۲۲ در کنار رودخانه تبرک^۴ بازگشت.

عثمانی‌ها سپاهی بزرگ را تحت رهبری «عبدالله کپرولو پاشا»^۵ برای مواجهه با ایرانیان فرستادند. با ادامه محاصره گنجه، نادر به پیشور تیمورپاشا^۶ — حاکم وان — شتافت که در حال حرکت برای یاری‌رساندن به دفاع از تقلیس^۷ بود. او که قادر به جلوگیری از تیمورپاشا نبود، به‌سوی قلعه قازانچای^۸ حرکت کرد. اما بارش برف

1. Sergei Dmitrievich Golitsyn

2. Shemakhi

3. Daghestan

۴. The Terek River. نام رودخانه‌ای است نزدیک دربند و شروان. رود بزرگی است که از ارتفاع چهارهزار گزی (۴۰۵۴ متری) کوه‌های قفقاز سرچشمه گرفته از چرکستان و قبرطای می‌گذرد و وارد دره وسیع و عمیقی می‌گردد. آنگاه چند رود به آن می‌پیوندند و پس از عبور از نواحی مختلف از جمله قصبه موزدوق و قیزلر، به‌سوی شرق جاری می‌گردد. سپس دو شعبه شده، با تشکیل دلتایی وارد دریای خزر می‌گردد. طول این رود ۵۹۲ هزار گز (۶۰۰ کیلومتر) است و به زبان ارمنی این رود را ترخ [ت] (Terkh) نامند. رک: علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، زیرنظر دکتر محمد معین، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ش، ذیل لغت تبرک. (م.ف)

5. Abdullah Köprülü Pasha

6. Timur Pasha

۷. Tiflis. امروزه Tbilisi. پایتخت جمهوری گرجستان.

8. Kazançay

حرکتش را غیرممکن ساخت و از طریق لوری^۱ به سوی قارص^۲ حرکت کرد. در ۲۴ ماه می ۱۷۳۴ او در سه‌مایلی قارص اردو زد. از آنجایی که عبدالله پاشا قارص را ترک نکرد، نادر، با دریافت اینکه در اطراف قارص آذوقه کمیاب می‌باشد، به آپاران^۳ حرکت کرد، جایی که او کاتولیکوس^۴ آبراهام کرتی (کرتاتسی)^۵ ارمنی را ملاقات نمود. سپس او اقدام به محاصره ایروان و تسخیر بایزید نمود. نادر با باقی گذاشتن نیرویی برای ادامه محاصره ایروان، به اچمیادزین^۶ حرکت کرد، از کلیسای اچمیادزین بازدید نمود و سپس به سوی پاراکار^۷ حرکت کرد.

او در آنجا اخباری را دریافت کرد، مبنی بر آنکه عبدالله پاشا و سپاهش از آرپاجای^۸ گذشته‌اند. نادر به مقابله ترک‌ها شتافت و در غروب ۱۸ ژوئن نیروهایش به نزدیکی جنگی جای^۹ رسیدند و در تپه‌ای اردو زدند. سپاه ترک در دشت باغ‌آورد^{۱۰} (اغوارد)^{۱۱} در چند مایلی آنجا اردو زدند. دو سپاه روز بعد (۱۹ ژوئن) جنگ کردند و علیرغم برتری سپاهیان عثمانی در تعداد، عثمانی‌ها شکست خوردند و عبدالله پاشا^{۱۲} کشته شد. اسرای ترک برای رساندن

1. Lori 2. Kars 3. Aparan

۴. Kat'oghikos. (همچنین به صورت Catholikos یا Katolikos خوانده می‌شود) بطریق‌عالی کلیسای ارمنی است. اگرچه در قرن هجدهم در گنجه‌سار (قزاق)، آق‌سارای (وان) و سپس (کیلیکیه) مقام کاتولیکوسی وجود داشت، اما تنها یک کاتولیکوس برای همه ارمنه وجود داشت و او در آستانه مقدس اچمیادزین در ارمنستان شرقی اقامت داشت.

این اصطلاح به صورت «کاتوخی کوس» و «کاتولیکوس» نیز به کار می‌رود. داناکوس همان خلیفه بزرگ ارمنه است. جاثلیق معرب این کلمه است و به همین معنی به کار می‌رود. چون اصطلاح خلیفه و خلیفه‌گری در میان ارمنیان ایران متداول است، شاید به کاربرد اصطلاح «خلیفه» در اینجا مناسب‌تر باشد. اما چون اصطلاح «کاتولیکوس» نیز در میان ارمنه ایران بسیار به کار می‌رود و از سویی به دلیل همخوانی این اصطلاح با عنوان انگلیسی آن، بنابراین، در ترجمه فارسی از اصطلاح «کاتولیکوس» استفاده شد. (م.ف)

۵. Kat'oghikos Abraham of Crete (Kretats'i). کاتولیکوس از ۲۴ نوامبر ۱۷۳۴ تا ۱۸ آوریل ۱۷۳۷.

۶. Ejmiatsin. مکان مقدس و دینی ارمنه که کلیسای اچمیادزین در آن قرار دارد.

7. Parakar

8. Arpa Çay

9. Zangi Çay

۱۰. Bağāvārd (Eghvard) نام دشت بزرگی از محال ایروان. در جهانگشای نادری «باغ‌آورد» نوشته شده است. رک: میرزا مهدی خان استرآبادی، جهانگشای نادری، به اهتمام سید عبدالله انوار، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۲۵۲. در تاریخچه نادرشاه «باغ‌آورد» آمده است و در توضیحات آن چنین می‌خوانیم: در زبان ارمنی به آن اغوارد، اغورد می‌گویند. نک: و، مینورسکی، تاریخچه نادرشاه، ترجمه رشید یاسمی، تهران، کتاب‌های سیمیرغ، چاپ سوم، ۱۳۶۳، ص ۵۱. (م.ف)

اخبار بد و ناگوار به گنجه، ایروان و تفلیس فرستاده شدند و در نیمه ژوئیه گنجه و تفلیس به ایرانیان تسلیم شدند. ایروان به مقاومت خود ادامه داد، درحالی که ایرانیان قارص را محاصره کردند و به تخریب حومه مناطق آرپاجای تا ارزروم اقدام کردند. عثمانی‌ها درخواست صلح کردند و در مقابل برداشتن محاصره قارص از سوی نادر، ایروان را در ۳ اکتبر تسلیم کردند.

با بازگشت قفقاز جنوبی به ایرانیان، نادر به سرکوب شماری از قبایل داغستان، که با عثمانی‌ها همکاری کرده بودند، اقدام نمود. در پایان ۱۷۳۵ نادر دوباره همه قلمرو پیشین امپراتوری صفویه (به استثنای قندهار) را به دست آورده بود. بنابراین، او فرامینی به فرماندهان نظامی، حکام، قضات، رهبران مذهبی و اشراف و اعیان، همچنین به بطریقان اینجی و دیگر رهبران ارمنی، برای گردآمدن در دشت مغان، جایی که قوریلتهای، یا انجمن ملی، را تشکیل داد صادر نمود.

نادر در غروب ۲۲ ژانویه ۱۷۳۶ به دشت مغان رسید. تا ۳ فوریه همه نمایندگان رسیده بودند. در نخستین روز عید فطر (۱۴ فوریه)، نادر پس از اظهار تواضع ساختگی عنوان کرد که آرزوی کناره‌گیری از خدمت را دارد و آنها باید یکی از بازماندگان صفویه را به عنوان شاه خردشان انتخاب نمایند. همه دریافتند که نادر صادق نیست و آرزوی تصرف آنها را دارد. همه آنها از ترس جان‌هایشان، از او استعفا کردند سلطنت را بپذیرند. او پس از چند روز طفره‌رفتن، مشروط بر پذیرش شرایط وی، موافقت نمود. بدین ترتیب افشارها جانشین صفویان شدند.^۱

تاجگذاری در ۸ مارس ۱۷۳۶ انجام شد. شاه جدید نامش را به نادر تغییر داد، بزرگترین پسرش، رضاقلی، را به عنوان وارث خود و حکمران خراسان تعیین نمود و برادرش، ابراهیم، را به عنوان حکمران آذربایجان با اختیار قانونی حکومت بر ارمنستان، گرجستان و داغستان منصوب نمود. چند هفته بعد از سال جدید ایرانی (نوروز)، نادر و سپاهش مغان را ترک کردند (۱۴ آوریل) و به اصفهان بازگشتند، که

۱. طهماسب دوم و دو پسرش، عباس سوم و اسماعیل، بعداً اعدام شدند.

او از آنجا زود به منظور تصرف مجدد قندهار و حمله به هندوستان خارج گردید. [این] «وقایع نگاری» برای نخستین بار در این جا به انگلیسی چاپ می شود. در سال های ۱۷۳۶-۱۷۳۷ م. (۱۱۴۹-۱۱۵۰ ق.) توسط بطریق اعظم کلیسای ارمنی، کاتولیکوس آبراهام سوم، که در شهر کاندیا^۱ واقع در جزیره کرت^۲ به دنیا آمده بود، نوشته شده است. این وقایع نگاری شامل حوادث روی داده از آوریل ۱۷۳۴ تا نوامبر ۱۷۳۶ (۱۱۴۷-۱۱۴۹ ق.) می باشد و شامل جزئیات انتخاب ناگهانی و غیرمنتظره وی به مقام کاتولیکوسی و ملاقاتش با نادر به هنگام لشکرکشی آخرش به ماورای ارس است. آبراهام حضورش را در قوریلتهای دشت مغان توصیف می کند، جایی که شاهد عینی انتخاب نادر به عنوان شاه جدید ایران بود.

«وقایع نگاری» در میان منابع اولیه و اصلی انگشت شماری است که درباره حوادث اتفاق افتاده در شمال غرب ایران به ویژه در ارمنستان شرقی به هنگام سال های ۱۷۳۴-۱۷۳۶ م. (۱۱۴۷-۱۱۴۹ ق.) بحث می کند.^۳ نه تنها تصویر زنده ای از شرایط اجتماعی - اقتصادی و سیاسی منطقه را ارائه می دهد، بلکه اطلاعات مفصلی از سپاه ایران و دستگاه اداری که در منابع ایرانی آن دوره موجود نیستند را عرضه می کند. علاوه بر این، «وقایع نگاری» منبع غنی از اصطلاحات فارسی، ترکی و عربی به کاررفته در نیمه نخست قرن هجدهم می باشد.

«وقایع نگاری» نخستین بار در ۱۷۹۶ در کلکته چاپ شد.^۴ این چاپ بر اساس نسخه ای خطی بود که توسط شخصی ناشناس از اچمیادزین (در ارمنستان متعلق به ایران آن دوره) به هند برده شده بود. نسخه بعدی در واقارشاپت^۵، اچمیادزین (در ارمنستان متعلق به روسیه آن دوره) در ۱۸۷۰ چاپ شد.^۶ در ۱۸۷۶ بروسه

1. Kandia

2. Crete

۳. منبع ارمنی دیگر «تاریخ جنگ ها» ۱۷۲۱-۱۷۳۶ از آبراهام ایروانی است. مهمترین منابع فارسی عبارت اند از: تاریخ محمد کاظم مروی، نامه تاریخ عالم آرای نادری و جهانگشای نادری. به توضیحات پایان کتاب رجوع نمایید.

4. Patmut'iwn Abraham Kat'oghikosi Kretats'woy

5. Vagharshapat

6. Abraham Kat'oghikosi Kretats'woy Patmut'iwn ants'its'n iwrots' ev Nadr Shahin Parsits'.

صومعه اچمیادزین در شهر واقارشاپت (شهر اچمیادزین کنونی) واقع شده است.

چاپ واقارشاپت را به فرانسه ترجمه کرد و آن را در جلد دوم اثرش به نام مجموعه *تواریخ ارامنه* جای داد که در سنت پترزبورگ منتشر شد.^۱ در ۱۹۶۹ ترجمه‌ای فارسی از فصول بیست و دوم تا چهل و پنجم چاپ واقارشاپت در تهران منتشر شد.^۲

به هر حال برای انتشار چاپی جدید از «وقایع نگاری» در ارمنستان، یک قرن طول کشید. در ۱۹۷۰ گروهی از پژوهشگران در آرشیوهای ماتناداران در ایروان، تحت سرپرستی هاکوب پاپازیان^۳ به آماده سازی متنی انتقادی از «وقایع نگاری» اقدام نمودند. از آنجایی که تنها نسخه‌ای ناهموار از فصول دهم تا بیست و یکم از

1. M. Brosset, "Mon Histoire et celle de Nadir, Chah de Perse, Par A'gha de Crête, Catholico," II. 259-330.

این ترجمه نه تنها شامل اشتباهات، به ویژه در توضیح برخی از لغات ترکی و فارسی است، بلکه قسمت هایی از متن را نیز خلاصه کرده است.

۲. *منتخباتی از یادداشت های آبراهام گاتوغی* در *سلسله خلیفه اعظم ارامنه*، ترجمه عبدالحسین سپتا و استیفا ن هانانیان، تهران، انتشارات وحید، ۱۳۴۷/۱۹۶۹. نصرالله فلسفی قسمت هایی از این ترجمه را در مقاله اش تحت عنوان: چگونه *نادرقلی نادرشاه* شد، در *ماهنامه مهر* (شماره های ۱۰-۱۱، تهران، ۱۳۵۱/۱۹۷۲) استفاده کرده است. لازم به ذکر است که *وقایع نامه آبراهام* - که توسط عبدالحسین سپتا و استیفا ن هانانیان با عنوان مذکور ترجمه شده است، فقط شامل قسمت های ۱ تا ۱۰ کتاب می شود که راجع به دشت مغان و انتخاب نادر و تاجگذاری او است و آن شامل فصل بیست و یکم تا چهل و ششم کتاب است. (نه آن گونه که بورنوتیان می نویسند تا فصل چهل و پنجم) این ترجمه در اصل در سال های ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ ش. در اصفهان به طبع رسیده و در سال ۱۳۴۷ شمسی توسط انتشارات وحید به چاپ دوم رسیده است. مرحوم نصرالله فلسفی نیز بخش هایی از این کتاب - که مربوط به مقدمات آشنایی خلیفه ارمنی با نادر و تعریف مجلس دشت مغان و اتفاقات گوناگون آن مجلس و تشریفات انتخاب نادرقلی به پادشاهی ایران و ترتیب تاجگذاری او است - را در مقاله ای با نام *چگونه نادرقلی نادرشاه* شد، آورده است؛ همچنین صورت وثیقه عهدنامه نادری را نیز در آن گنجانده است. این مقاله در کتاب *چند مقاله تاریخی و ادبی*، توسط انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲ منتشر شده است. ترجمه های مذکور هر چند مختصر هستند و شامل تمامی متن *وقایع نامه آبراهام* نمی شوند ولی به ویژه ترجمه سپتا و هانانیان شامل اعلام تاریخی و جغرافیایی مهمی است که برای فهم اماکن تاریخی و جغرافیایی ارمنستان و بخش هایی از قفقاز بسیار سودمند است. ر.ک: *منتخباتی از یادداشت های آبراهام گاتوغی* *سلسله خلیفه اعظم ارامنه*، ترجمه عبدالحسین سپتا و استیفا ن هانانیان، تهران، انتشارات وحید، چاپ دوم، مهرماه ۱۳۴۷؛ نصرالله فلسفی، *چند مقاله تاریخی و ادبی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲. (م.ف)

3. Hakob Papazyan

دستنوشته خود ابراهام برجای مانده بود،^۱ بنابراین نسخه خطی دیگری که کامل تر بود و تصور می شد که تحت نظارت ابراهام تهیه شده بود، به عنوان متن اصلی و اساسی به کار گرفته شد.^۲ پنج نسخه خطی دیگری که در ماتناداران نگاهداری می شدند، در آماده سازی متن انتقادی به کار گرفته شدند. نخستین نسخه که پس از ۱۷۳۶ رونویسی شده بود،^۳ دومی که در ۱۷۶۷ یا بعد از آن آماده شده بود،^۴ سومین نسخه که در خلال قرن هجدهم رونویسی شده بود،^۵ و چهارمین نسخه که در ۱۷۹۷ رونویسی شده بود؛^۶ تمام اینها کارهای نسخه برداران ناشناس می باشند. پنجمین نسخه که توسط هووانس تاغوریان^۷ در قسطنطنیه در ۱۸۵۶ رونویسی شده است. همچنین شماری از نسخه های خطی وقایع نگاری در خارج از ارمنستان بر روی نسخه ها دو تا از اورشلیم: یک نسخه رونوشت شده در سال ۱۷۷۵ در ارزروم؛ و یک رونوشت که توسط ترهووانس^۸ در کلیسای سنت استپانوس^۹ در ازمیر^{۱۰} در ۱۸۱۱ آماده شده بود؛^{۱۱} دو تا از وین^{۱۲} و یک رونوشت متعلق به قرن نوزدهم که در فهرست کتب کتابخانه ملی در پاریس نگاهداری می شود.

چاپ انتقادی از شش نسخه خطی در ارمنستان^{۱۳} همچنین از نسخه متعلق

۱. آرشیوهای ماتناداران، نسخه شماره ۷۱۳۰

۲. همان، نسخه شماره ۱۶۷۴ (چاپ واقارشاپت در این نسخه همچنین استفاده شده است).

۳. همان، نسخه شماره ۵۰۲۶، اوراق ۱۵۹ a-۲۰۴ b.

۴. همان، نسخه شماره ۲۶۱۶ اوراق ۷۲ a-۱a.

۵. همان، نسخه شماره ۵۹۷۴، اوراق ۸۶a-۱۹۳a.

۶. همان، نسخه شماره ۲۷۲۲، اوراق ۳۶ b-۴a.

7. Hovhannes T'agvoryan

۸. همان، نسخه شماره ۲۶۲۲، اوراق ۲۲۰ a-۳۷۵a.

9. Ter - Hovhannēs

10. The Church of Surb Step'annos

11. Smyrna

۱۲. آرشیوهای بطریق ارمنی در اورشلیم، نسخه شماره ۶۹۹، و نسخه شماره ۹۵۹.

۱۳. کتابخانه مخیتاریست در وین، نسخه شماره ۶۱۶، و نسخه شماره ۸۴۰.

۱۴. کُنداک یا چکیده مختصر، که از نسخه شماره ۱۳۸۷ ماتناداران گرفته شده است، تنها نسخه وقایع نگاری است که علاوه بر نسخه چاپی واقارشاپت، شامل این مطالب اضافی است.

به ۱۸۲۱ اورشلیم و دو نسخه متعلق به وین بهره گرفت.^۱ نسخه چاپی واقارشاپت همچنین بررسی شد. ترجمه‌ای روسی که توسط ن. ک. گرگانیان^۲ آماده شده بود، در این چاپ انتقادی که در سال ۱۹۳۷ توسط آرشیوهای ماتناداران و آکادمی علوم جمهوری ارمنستان در ایروان منتشر شده بود، جای گرفت.^۳

ترجمه حاضر از چاپ انتقادی است. همچنین ترجمه‌های فرانسوی و روسی و نسخه چاپی واقارشاپت بررسی شدند. یادداشت‌هایی که بروسه درباره تاریخ‌ها ارائه داده است به شخص او ارجاع داده می‌شود، درحالی‌که یادداشت‌های گرگانیان درباره اسامی مکان‌ها به صورت یکجا در حواشی مفصل‌ام آمده است. اگرچه برخی از اصطلاحات ترکی و فارسی در متن انتقادی توضیح داده شده‌اند، اما بسیاری از آنها برای نخستین بار در این جا توضیح داده می‌شوند. توضیحات مربوط به متن در کرشه‌ها قرار دارند، درحالی‌که تفاوت‌ها و اختلافات اسامی و اشخاص در پرته‌ها توضیح داده می‌شوند.

در چاپ انتقادی بالغ بر یکهزار یا بیشتر است که تفاوت‌های جزئی تلفظ و یا شمول و عدم شمول لغت خاصی را در نسخه خطی اولیه (a) و دیگر نسخ خطی (b, c, d, e, f, g, v1, v2) بیان می‌کند، که در این جا آورده نشده‌اند. بودن یا نبودن آنها تغییری در معنای متن نمی‌دهد و شامل اطلاعات اضافی نمی‌باشد و کمکی به این ترجمه که تحت‌اللفظی نیست، نمی‌کند. آنها می‌توانند تنها برای کسانی که می‌خواهند متون مختلف ارمنی را مقابله یا مقایسه کنند مفید باشد. به هر حال، یادداشت‌های مربوط به نسخه‌های خطی که اطلاعات متفاوتی را ارائه می‌دهند، گنجانده شده است.

آبراهام چندین مکالمه ترکی که در آن زمان داشته است را آورده است. آنها

۱. در چاپ انتقادی، نسخه شماره ۱۶۷۴ ماتناداران به عنوان (a) شناخته می‌شود؛ نسخه شماره ۲۷۲۲ به عنوان (b)؛ نسخه شماره ۲۶۱۶ به عنوان (c)؛ نسخه شماره ۲۶۲۲ به عنوان (d)؛ نسخه شماره ۵۰۲۶ به عنوان (e)؛ و نسخه شماره ۵۹۷۴ به عنوان (f). نسخه شماره ۶۹۹ (در اورشلیم) به عنوان (g) و نسخه شماره ۶۱۶ و نسخه شماره ۸۴۰ (در وین) به عنوان (v1) و (v2) شناخته می‌شوند.

2. N. K. Ghorghanyan

3. Abraham Kretats'i, Patmut'iwn (Erevan, 1973)

با الفبای ارمنی نوشته شده‌اند. از آنجایی که بازسازی آن گویش اصلی ترکی (که ترکیبی از ترکی عثمانی و آذری است) تقریباً غیرممکن است، آن عبارات نوشته‌شده به الفبای ارمنی به‌طور مستقیم ترجمه شده است. تلاشی صورت گرفت که خطوطی چند از ترکی آبراهام به شکل املاهای امروزی ارائه شود تا اسلوب و الگوی گویشی قدیمی و فراموش‌شده بازسازی شود. اگرچه آبراهام الفبای ارمنی را برای درج ستایش‌های اغراق‌آمیز فارسی برای نادر به‌کار می‌برد، به‌دلیل آنکه آن عبارات در منابع دست اول فارسی در دسترس هستند بنابراین آنها از متون اصلی فارسی ترجمه شده‌اند.

برای ترجمهٔ نثرهای مطابق با کتاب مقدس آبراهام به انگلیسی و برای مشخص کردن اعیاد مذهبی، بر نوین کتاب مقدس آکسفورد، کتاب مقدس کاتولیک نوین آمریکایی مورد استفاده قرار گرفته است.

اصطلاحات ارمنی بر اساس بخش تاحدودی اصلاح‌شدهٔ سیستم کتابخانهٔ کنگرهٔ [امریکا] آوانویسی شده است. همان سیستم (اصلاح‌شده) برای اسامی روسی، عربی، ترکی، آذری و گرجی استفاده می‌شود. آوانویسی برای فارسی با تغییر اندکی از دایرةالمعارف ایرانیکا پیروی می‌کند. برای مثال، اصطلاحات مرسوم و اصطلاحاتی که شکل انگلیسی یافته‌اند، حفظ شده‌اند. برای مثال: امیر، شاه، سلطان، خان، ملیک، پاشا، آذربایجان، داغستان، اغوارد، ایران، اسفهان، قزاق، نخجوان، شماخی، شیروان، جلفا و تفلیس).

تقویم کلیسای ارمنی که توسط آبراهام مورد استفاده قرار گرفته است، از اعتدال پاییزی سال ۵۵۲ محاسبه می‌شود. بنابراین، این تقویم ۵۵۱ سال از تقویمی که در غرب به‌کار گرفته می‌شود عقب‌تر است. علاوه بر این، در این دوره آرامنه تقویم ژولیان را به‌کار می‌بردند که یازده روز از تقویم گریگوری عقب‌تر است. به‌غیر از جایی که با علامت N.S.^۱ مشخص شده است، تمام تاریخ‌ها در ترجمهٔ متن به صورت همان تاریخ‌های اصلی ژولیان (O.S.)^۲ حفظ شده‌اند.

این اثر به پروفیسور هاکوب پاپازیان فقید (۱۹۱۹-۱۹۹۷) تقدیم می‌شود که هنگام بورس تحصیلی‌ام در ارمنستان (۱۹۷۳-۱۹۷۴) حق استادی بر گردن من داشت و مرا با مجموعه نسخه‌های خطی فارسی در ماتناداران آشنا کرد. نخستین هدیه‌اش به من نسخه‌ای امضا شده از چاپ انتقادی این وقایع‌نگاری بود که آن موقع تازه چاپ شده بود. او طی بازدیدهای متعدد بعدی من از ماتناداران به عنوان استاد و دوستم باقی ماند. تلاش‌های او مانند نوری پرتوافکن است بر دوره‌ای که در تاریخ ارمنستان (سده‌های پانزده تا هجده میلادی) عصر تاریکی نامیده می‌شود و مرا مصمم به پژوهش بیشتر درباره این دوره معروف نموده است.

من از دکتر آبراهام تریان به خاطر شرح اصطلاحات کلیسایی و اعیاد مذهبی ارمنی سپاسگزاری می‌نمایم. دکتر رابرت هیوسن، که مهارتش را در ترتیب‌دادن نقشه در اختیار من قرار داد، کتابخانه باتلر در دانشگاه کلمبیا تعدادی از نسخه‌های نایاب را فراهم نمود. انجمن نازاریان، همچنین بنیاد فرهنگی الکس مانوگیان، که قسمتی از هزینه‌های چاپ را تقبل کردند. همسر من، آنی آتامیان برونوتیان باردیگر پیش‌نویس‌های مختلف این اثر را بازخوانی نمود. در پایان مسئولیت هر نوع کاستی متوجه من می‌باشد.

کالج آیونا^۱